

ما همه خواستار افزایش دستمزد هستیم.

دوشنبه ۱۲ اسفند ۱۳۸۷

محمود صالحی

کارگران ، مزدبگیران :

سال‌هاست که اعتراض به افزایش دستمزد در کشور ما، به یک امر طبیعی تبدیل شده است. اما هیچ وقت به خواست ما اعتراض کنندگان، در شورای عالی کار توجه نشده و هر دستمزدی که خود شورای عالی کار تعیین کرده، وزارت کار هم آن را جهت اجرا به ادارات کار ابلاغ کرد است. اعتراض ما هم بی نتیجه مانده، یعنی به دنبال تصویب دستمزد از طرف شورای عالی کار هیچ اعتراضی از طرف ما مزدبگیران به وقوع نپیوسته است، می دانید چرا؟ چون ما کارگران تا به امروز تنها به نوشتن نامه و طومار اکتفا کردیم. نوشتن نامه و طومار در کشوری که حتی روزجانی کارگر جرم است و کارگران را به جرم شرکت در اول ماه مه زندانی و یا شلاق می زنند، چه معنای دارد؟! بعد از تصویب حداقل دستمزد از طرف شورای عالی کار، آیا ما کارگران توانسته‌ایم این مصوبه را برای یک بار هم که شده لغو کنیم. من مطمئن هستم جواب ما کارگران به این پرسش منفی است. چرا؟ چون اگر اعتراض کنیم بلافاصله نیروهای محافظ کارفرما، ما را به عنوان اغتشاش‌گر و مخل نظم امنیت ملی دستگیر و روانه زندان می کنند. اما اگر کارفرمایان اعتراض کنند، بلافاصله قوانین به نفع آنان تغییر می کند و کسی هم دستگیر نمی شود. (نمونه لغو مصوبه شورای عالی کار در سال ۱۳۸۵)

کارگران؛ ما قبل از هر چیز باید شورای عالی کار و افرادی که در آن شورا حضور دارند را بشناسیم.

شورای عالی کار مرکب است از:

الف - وزیر کار و امور اجتماعی، که ریاست شورا را به عهده دارد.

ب - دو نفر از افراد بصیره و مطلع در مسائل اجتماعی و اقتصادی به پیشنهاد وزیر کار و تصویب هیأت وزیران.

ج - سه نفر از نمایندگان کارفرمایان.

د - سه نفر از نمایندگان کارگران به انتخاب کانون عالی شوراهای اسلامی کار.

حال با این توضیح می خواهیم به ماهیت این شورا و افرادی که در آن مرکز کارفرمایی مستقر هستند یک بررسی کوتاه داشته باشیم.

۱- وزارت کار برای ما کارگران شناخته شده است، اگر کسی تنها یک ذره توهم دارد، به کارگری که از طرف کارفرما اخراج شده و جهت مطالبه حقوق‌های معوقه خود به وزارت کار مراجعه می کند و برای احقاق حق اقدام به طرح دعوی می نماید، مراجعه کنید تا از زبان آن کارگر اخراجی بشنوید که وزارت کار چیست، در حقیقت کار وزارت کار، جز دفاع از کارفرما چیز دیگری نمی باشد. از زبان آن کارگر بشنوید که می گوید: " حتی وزارت کار به قانون کار هم توجه نمی کند، این در حالی است که قانون کار مصوب خود دولت و مسئولان مملکتی است."

از زبان آن کارگر اخراجی بشنوید که چطور بعد از چند سال سرگردانی در راهروهای ادارات کار، عاقبت مسئولان ادارات کار دلشان به رحم می آید و برای کارگر اخراجی یک رای صادر می کنند. از زبان آن کارگر اخراجی بشنوید که بعد از صدور رای از طرف هیئت های مستقر در وزارت کار، آن وقت مشکلات کارگر اخراجی شروع می گردد. از زبان آن کارگر بشنوید که چطور هر روز بعد از اینکه تا وقت اداری در راهروهای دادگاه و اداره کار سرگردان است و بعد از تعطیلی این ادارات با نا امیدي پیش خانواده اش و بچه هایش بر می گردد.

پس نتیجه می گیرم که وزارت کار و اداراتی که به شکلی با این وزارت ارتباط دارند، از ما نیستند.

۲- کارفرما هم کسی است که شبانه روز شیره جان ما کارگران را می مکد تا سرمایه برای خود و افراد تحت تکفلش را افزایش دهد. کارفرما آنقدر دستمزد به ما کارگران پرداخت می کند تا از گرسنگی نمیریم و بتوانم برای روزهای بعد سرمایه برای آنان تولید کنیم. هر زمان ما کارگران برای یک بار هم درخواست کنیم، که آقای کارفرما به فکر ما هم باشید، بلافاصله ما را از زمین و هوا مورد حمله قرار میدهند و ما را قتل عام می کنند. (کارگران خاتون آباد کرمان و ده ها موارد دیگر ...)

۳- کانون عالی شوراهای اسلامی کار هم مشخص نیست که در کدام مجمع عمومی کارگری انتخاب شدند تا به عنوان نماینده ما کارگران در شورای عالی کار حضور داشته باشند و به نمایندگی از طرف ما اقدام به تعیین دستمزد کند؟! تا جایی که من اطلاع دارم، قانون شوراهای اسلامی با قانون کار هماهنگی ندارد. حتی در قانون کار هم، شورا به عنوان یک تشکل کارگری دیده شده است. این در حالی است که در قانون شوراها از آن به عنوان یک تشکل مشترک یاد شده است. با این توضیح نتیجه می گیرم که نقش شوراهای اسلامی نظارتی است، نه نماینده منتخب ما کارگران.

از طرف دیگر هم اگر فرض کنیم، که این شورا از طرف ما هم تعیین شده باشند آیا می توانند نقشی در تعیین دستمزد داشته باشند؟ من با یقین می گویم نه، به این خاطر که سه نفر نماینده دولت و سه نفر نماینده کارفرما در شورا عالی کار حضور دارند که اکثریت شورا را تشکیل می دهند و نماینده کارگر نمی تواند نقشی داشته باشد. برای اینکه اگر هم سه نفر نماینده کارگر از طرف مجمع عمومی سراسری کارگران انتخاب هم شوند و بهترین افراد رادیکال هم باشند نمی توانند در این شورا سرنوشت ساز باشند. چون سه نفر در مقابل شش نفر است و در این شورا مصوبه ها با نصف به علاوه یک به تصویب می رسد.

کارگران، مزدگیران:

اگر امروز یک عده می خواهند با نوشتن نامه و طومار کارگران را چشم انتظار نگه دارند، به نظر من جز توهم چیز دیگری نیست. اعتراض به افزایش دستمزد هر سال از طرف خانه کار هم سر داده می شود و روزنامه کار و کارگر هر روز چند مطلب در مورد افزایش دستمزد را به چاپ می رساند، آیا این اعتراض تا به امروز توانسته وارد یک فاز عملی شود و کارگران را برای یک اعتصاب سراسری آماده کند؟ مسلماً نه.

شاید امروز کسانی تازه از راه رسیده، کارگران را برای افزایش دستمزد به نوشتن نامه و طومار راهنمایی کنند. اما این افراد هر چند هم که نیت خیر داشته باشند که من یقین دارم که دارند نمی توانند راه به جای ببرند. من به عنوان

یک هم طبقه از این دوستان سوال می کنم: آیا با نوشتن نامه و طومار می توان به افزایش دستمزد رسید؟ جواب منفی است. چرا چون ما کارگران هیچ نماینده ای درشورا عالی کار نداریم تا از مطالبات ما کارگران دفاع کنند.

کارگران، مزدبگیران:

تا زمانیکه قانون نابرابر سه جانبه گرایی حاکم باشد، نمی توانیم حتی برای یک بار هم که شده به خواست و مطالبات خود که همان افزایش دستمزد است، برسیم. پس قبل از اینکه ما از دولت محافظ کارفرما و خود کارفرما، درخواست افزایش دستمزد کنیم، بیاید همه باهم شعار لغو سه جانبه گرایی را سر دهیم و این شعار را در تمام عرصه های مبارزه طبقاتی برجسته و کارگران را به دور از هرگونه تعصب سکتاریستی راهنمایی و با قوانین حاکم آشنا کنیم.

نیروی ما می تواند جهانی را از فقر و جنگ نجات دهد.

به نیروی خود اتکا کنیم.

محمود صالحی ۸۷/۱۲/۱۲

کمیته همهانگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

www.komitteyehamahangi.com

komite.hamahangi@gmail.com